

رشد کودک در دوران دبستان (۷ تا ۱۱ سالگی)

هدفهای رفتاری: در پایان این فصل فراگیر باید بتواند:

- ۱- ویژگیهای کودک ۷ ساله را تعریف کند.
- ۲- عوامل مؤثر در یادگیری مهارتها را بیان کند.
- ۳- مهارتهای فردی دوران ۷ تا ۱۱ ساله را نام ببرد.
- ۴- عوامل مؤثر در رشد جسمانی کودک را تعریف کند.
- ۵- نگهداری ذهنی کودک ۷ تا ۱۱ ساله را بطور خلاصه تعریف کند.
- ۶- واکنشهای هیجانی را نام ببرد.
- ۷- عوامل مؤثر در عواطف کودک را تعریف کند.
- ۸- انواع بازیهای دوران دبستان را نام ببرد.
- ۹- ویژگیهای بازی پسران و دختران را تعریف کند.

رشد در دوران دبستان

۵/۱- مقدمه

رشد در دوران دبستان معمولاً از پایان دورهٔ کودکی شروع می‌شود و تا دوران بلوغ ادامه می‌یابد. این دوران از ۷ سالگی با ورود به مدرسه کودک را از محیط خانه و خانواده جدا ساخته، با تحولات تازه‌ای به محیط جدید که پایه اجتماعی شدن وی را تشکیل می‌دهد وارد می‌سازد و تا سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی که می‌توان آن را هنوز ادامه کودکی و یا دوران دوم کودکی نامید خاتمه می‌یابد. تغییرات و تحولات رشدی این دوره فراوان است، محیط مدرسه ناآشنا و دیدار آموزگار در مقایسه با دیدار والدین و همچنین مقایسه انتظاراتی که از مادر یا پدر یا خواهران و برادران داشته،

به خصوص اجرای وظایف آموزش نخستین بسیار متفاوت است. کلاس درس و ناآشنایی با همسالان موجبات آشفتگی او را فراهم می‌سازد ولی با تمام این دشواریها به سرعت آماده برای پذیرش تغییرات رشدی جسمانی و روانی می‌گردد.

۵/۲- ویژگیهای دوره ۷ تا ۱۱ سالگی (دوره دبستان)

هریک از دوره‌هایی که تاکنون شرح داده شده دارای ویژگیهای مخصوص به همان دوران بوده است بنابراین دوران دبستان هم دارای خصوصیتی است که با سایر دوره‌ها متفاوت است چه از لحاظ والدین و چه از لحاظ مسئولین آموزش و پرورش.

روانشناسان، این دوره را دورهٔ خلاقیت و بازی نامگذاری کرده‌اند یعنی دوره‌ای است که آیندهٔ کودک را از لحاظ ابتکار و خلاقیت آماده می‌سازد ولی برای والدین یک دوره سخت و پردردسر به نظر می‌رسد زیرا کودکان با ورود به مدرسه نیازهای گوناگونی دارند همچنین با برادران و خواهران بزرگتر یا کوچکتر مشکلاتی دارند که گاهی اوقات به ستیزه‌جویی و مخالفت با یکدیگر منجر می‌شود. برنامه‌های آموزشی در این مقطع زمانی بیش‌بینیهای لازم را در برنامه‌ریزیهای این دوره به عمل آورده تا میل به فراگیری متناسب با این کودکان را در مدرسه بوجود آورد. همچنین آموزگاران و مربیان آموزش مقدماتی معتقدند که این دوره زمانی است که کودک باید مهارت‌های لازم و مشخصی را فراگیرد که پایه و اساس دوره‌های آموزش بعدی و تمایل به فراگیری و پیشرفت فرد می‌باشد.

با توجه به نظریات روانشناسان، والدین، آموزگاران و مربیان می‌توان اظهار داشت که لازم است به منظور دستیابی به اهداف آموزشی و رشدی این دوره تکالیف و وظایف زیرین در مورد کودکان به مرحله اجرا گذارده شود تا فراگیری و آموزش دوره‌های رشدی بعدی را با موفقیت بگذرانند:

یادگیری مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن: یادگیری مهارت‌های لازم برای رشد جسمانی از قبیل دویدن، جهش، پرتاب کردن، گرفتن، حفظ ترتیب توالی حرکات پاها به هنگام راه رفتن و تعادل.

یادگیری مهارت‌های لازم برای بازیهای مخصوص این دوره از قبیل پرش با طناب و انواع بازیهای دسته جمعی.

یادگیری رفتار با همسالان و سایر مهارتها برای اجتماعی شدن از قبیل دوستیابی و عضویت در گروه‌ها. باید توجه داشت که یادگیری مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن به عهدهٔ آموزگاران است ولی والدین نیز می‌توانند در این وظیفهٔ مهم سهیم باشند. مهارت‌های لازم برای یادگیری اولیه

رفتار با همسالان را در دوره اول والدین پایه‌گذاری می‌کنند و پس از آن با شرکت کودکان در گروه‌های همسال و به عضویت درآمدن آنها در گروه همسالان ادامه می‌یابد. برای کسب موفقیت در یادگیری مهارت‌هایی که ذکر گردید عوامل زیر می‌توانند مؤثر واقع شوند:

محیط زندگی خانواده و محیط مدرسه. مهارتی که توسط همسالان اجرا می‌گردد و آن را به معرض تماشا می‌گذارند. آزادی کودک در انتخاب نوع مهارت. تفاوت‌های جسمانی و قدرت بدنی بین دختران و پسران. تجهیزات و امکانات برای اجرای بازی و مهارت‌ها. و بالاخره محیط اجتماعی که کودک در آن بسر می‌برد. به‌طور کلی مهارت‌های دوران ۷ تا ۱۱ سالگی به مهارت‌های زیر تقسیم می‌گردند:

(الف) مهارت‌های فردی: غذا خوردن، لباس پوشیدن، استحمام و مواظبت از خود، مهارت‌هایی هستند که کودک باید در طول مدت این دوره قادر به انجام این وظایف و یا مهارت‌ها باشد، مشروط بر این که در اجرای این مهارت‌ها مستقل عمل کند.

(ب) مهارت‌های آموزشی: این گونه مهارت‌ها مستلزم آموزش در کلاس درس مدرسه و فراگیری خواندن، نوشتن، حساب کردن، رسم، نقاشی و غیره می‌باشند. در ضمن یادگیری مهارت‌های حرفه‌ای می‌تواند به کمک مسئولان آموزشی و آموزگاران در دوره دبستان به دختران و پسران آموزش داده شود.

(ج) مهارت‌های بازی: به‌طور کلی مهارت‌های بازی در سال‌های مختلف این دوره متفاوت است برای مثال، کودکان بازی‌های پرتاب با توپ، شنا و دوچرخه‌سواری را در سال‌های اولیه نمی‌توانند با مهارت انجام دهند و باید بتدریج فراگیرند. همچنین در سال‌های آخر این دوره مهارت‌های بازی تبدیل به سرگرمیهایی از قبیل ساختن کاردستی و نقاشی و سایر تفریحات می‌گردد.

(د) مهارت‌های اجتماعی: منظور از مهارت‌های اجتماعی در سنین ۷ تا ۱۱ سالگی عبارت از همکاری با والدین در امور جزئی، خانه‌داری مانند نظافت خانه، خرید و کمک در جمع‌آوری وسایل و غیره می‌باشد. ولی در مدرسه کارهای مهمتری می‌تواند انجام دهد مانند کمک به آموزگار در آوردن وسایل آموزشی به کلاس، مرتب کردن میز و صندلی خود، پاک کردن تخته سیاه و کارهای مشابه. این قبیل فعالیت‌ها کودک را برای اجتماعی شدن، شرکت در گروه‌های مختلف، عضویت در تیم‌های ورزشی و غیره مهیا می‌سازد.

ویژگی‌های هریک از سال‌ها به‌طور جداگانه:

— هفت سالگی: کودک در دورهٔ ۷ سالگی هوشیارتر از دوره قبلی است، آرام و شاد است ولی توأم با جوش و خروش نیز می باشد. بازیهای مورد توجه دختران «لی لی بازی» و مشابه آن است و پسران از بازی فوتبال و پرتاب توپ و امثال آن لذت می برند. گاهی اوقات در خود فرو رفته و آرام به نظر می رسند.

— هشت سالگی: کودک در هشت سالگی مبارزه طلب است؛ در برابر مشکلات ایستادگی و مقاومت نشان می دهد؛ خود را توانا و مقتدر می پندارد و به منظور عدم شکست او در این قبیل موارد باید به کودک کمک کرد تا به هدف خود برسد. سرگرم و فعال است و از کارهای تازه لذت می برد ولی گاهی اوقات دچار ترس از حیوانات و تاریکی می گردد و بالاخره دوست دارد در جمع بزرگترها شرکت کند.

— نه سالگی: کودک نه ساله دارای هماهنگی بین دست و چشمها به طور کامل است. از زبان خود استفادهٔ بهتری می کند و آن را در جهت انتقاد از دیگران مورد استفاده قرار می دهد. دربارهٔ انجام کارها و تصمیم گیری منطقی تر فکر می کند. خود را مستقل فرض می کند. کودک به کارهای گروهی تمایل نشان می دهد. در این سن دختران و پسران در مقابل یکدیگر موضع می گیرند و گروههای دخترانه و پسرانه تشکیل می دهند.

در این گروه سنی گاهی اوقات ناراحتیهای عصبی و روانی پدیدار می گردد و همچنین از دردهای جسمانی شکایت می کنند و در انجام کارهایی که تمایل به اجرای آن ندارند تمارض می نمایند. نکته قابل توجه این است که اغلب برای دوستان بیش از والدین ارزش قایل می شوند و حتی عقاید و نظرات آنان را بر عقاید و نظرات اعضای خانواده ترجیح می دهند.

— ده و یازده سالگی: کودک از سن ده و یازده سالگی حقیقت جو و اهل عمل است؛ مطیع است و دستورهای اعضای خانواده و والدین را با میل انجام می دهد. با دیگران نیز صمیمی و مهربان است. دختران از بلوغ اجتماعی بیشتری برخوردارند.

کودکان در این دوره سعی می کنند که مانند گروه همسالان خود رفتار کنند. می خواهند مانند آنها لباس بپوشند؛ حرف بزنند و راه بروند و به طور کلی رفتار و عقایدی مانند آنها داشته باشند. تمایل به همانندی با اعضای گروه معمولاً بین ده و یازده سالگی به اوج خود می رسد.

۵/۳ — ویژگیهای رشد جسمانی کودکان دبستانی

در دوران دبستان تا زمانی که تغییرات بلوغ شروع شود رشد جسمانی کودک به طور آرام و یکنواخت ادامه می یابد ولی قبل از شروع تغییرات بلوغ آهنگ رشد سریع می گردد. در این دوران دختران زودتر از پسران به رشد بلوغی می رسند. به طور خلاصه خصوصیات رشد جسمانی کودکان

به شرح زیر است :

— **طول قد:** افزایش طول قد یک دختر متوسط ۱۱ ساله و یک پسر با همین مشخصات بین ۵ تا ۸ سانتیمتر است و تقریباً طول کلی بدن آنان در حدود ۱۴۷ سانتیمتر است ولی طول قد پسران تا حدودی کمتر است.

— **وزن بدن:** افزایش وزن بدن کودکان به طور متوسط ۱/۵ تا ۲/۵ کیلوگرم در سال است. رشد این افزایش وزن نسبت به طول قد تا حدودی بیشتر است. در اواخر این دوره وزن بدن یک پسر ۱۱ ساله به طور متوسط ۳۹ کیلوگرم و وزن بدن یک دختر ۱۱ ساله به طور متوسط ۴۰ کیلوگرم است.

— **تناسب بدن:** در طول مدت این دوره اختلاف نسبت اندامهای بی تناسبی که در دوران قبلی وجود داشت از بین می رود ولی هنوز اندازه سر نسبت به سایر اعضای بدن بزرگتر است. در این دوره تنه دراز و باریکتر، بازوها و پاها درازتر، و سینه و شکم پهن تر می شود.

— **نمو دندانها:** در این دوران تفاوت های زیادی از لحاظ رشد دندانها در بین کودکان وجود دارد. کودک در اواخر این دوره و شروع دوره بلوغ از ۳۲ دندان دایمی دارای ۲۸ دندان می باشد و چهار دندان باقیمانده که دندانهای عقل نامیده می شوند در دوره نوجوانی ظاهر می گردند.

— **عواملی که در رشد جسمانی کودک مؤثرند عبارتند از:** نوع تغذیه کودک، بهداشت، بیماریها، تنشهای هیجانی، هوش و ساختمان بدنی کودک.

۵/۴- رشد شناختی کودک دبستانی

با شروع هفت سالگی کودک اعمالی را به طور ذهنی انجام می دهد که در دوران قبلی آنها را به طور فیزیکی انجام می داد. در این دوره از رشد شناختی درک کودک از ارتباطات بین نمادها و یا حوادث افزایش می یابد. همچنین کنترل او در تفکر شروع به پیشرفت کرده، متوجه می شود که می تواند از راه اندیشیدن تجربیات خود را ادامه دهد. کودک با آگاهی از روش منظم فکر کردن مبنایی را برای رشد دوره بعدی پایه گذاری می کند. کودک در دوره دبستان می تواند با به حساب آوردن چند جنبه مختلف از وضع موجود واکنش خود را به تأخیر اندازد. همچنین قادر است افکار خود را در جهات مختلف سیر داده، ادراک خود را در این جهات مقایسه نماید سپس با ارتباط دادن به تجربیات گذشته به آنها پاسخ دهد.

انجام دادن عمل عکس یا برگشت پذیری یکی از جنبه های انعطاف پذیری و کنترل تفکر است که در اثنای سنین دبستانی بروز می نماید. بدین ترتیب که کودک می تواند در مورد کاری تفکر نماید سپس آن را تغییر داده مجدداً به ابتدای کار بازگشته، بعد به طریق دیگری فکر نماید.

به عبارت دیگر برگشت پذیری این است که عملی به وسیله عمل دیگر خنثی گردد.
مانند این مثال: تمام کودکان منهای دختران مساویست با پسران و یا برعکس:

$$\text{یعنی } 2 = 5 - 3 \text{ و } 5 = 3 + 2$$

هنگامی که کودک از حواس مختلف خود استفاده می نماید وظیفه اش این است که انواع مختلف اطلاعات بدست آمده را به صورت قابل استفاده ای با یکدیگر ادغام نماید و بدین طریق راههای مؤثری را جهت کشف خود و آنچه را که درباره آن بدست آورده پیدا می نماید. برای مثال در دوران قبل از دبستان کودک سه ساله برای گرفتن اشیاء به طور قابل ملاحظه ای از کف دستها استفاده کرده با چنگ زدن و گرفتن شیئی آنرا بررسی می نمود. همچنین کودک ۵ ساله از دستهای خود برای گرفتن اشیاء بهره بیشتری می برد. ولی کودک ۷ تا ۹ ساله در سن دبستانی هم از کف دست و هم از انگشتان هر دو استفاده می کند و در سن ۹ سالگی نوک انگشتان را برای کاوش و جستجوی اشیاء به کار می برد و با هماهنگی با حرکات چشم آن را دنبال می کند.

— ویژگیهای رشد شناختی در دوران دبستان: ویژگیهای رشد شناختی کودکان ۷ تا ۱۱ ساله با ویژگیهای دوره قبلی در موارد زیرین متفاوت است:

— نگهداری ذهنی: نگهداری ذهنی، بدین معنی است که اگر اشیای مختلف از لحاظ شکل ظاهری و جهات قرار گرفتن تغییر کند کودک بتواند این تغییرات را تشخیص دهد و درک کند که این شیئی همان شیئی سابق است فقط شکل و وضع آن تغییر کرده است.

در دوره دبستان طرز تفکر کودک تغییر می یابد. این تفکر تازه با سعی و کوشش خود کودک بوجود می آید. مثال معروف بازی با دو عدد گلوله یا توپ که از خمیر یا گل درست شده می باشد. بدین ترتیب که اگر یکی از این گلوله ها به یک جسم لوله ای شکل تغییر داده شود در پاسخ به این پرسش که کدام یک از این جسم بزرگتر است، کودک قبل از سن دبستانی (۲ تا ۵ سال) احتمالاً شیئی لوله ای شکل را بزرگتر می داند ولی کودکان دوره دبستانی هر دو شیئی را برابر می دانند.

مثال دیگر در این زمینه (الفا) می باشد. کودک در این دوره متوجه می گردد که به رغم تغییر پذیری بعضی از صفات مشخص، صفات دیگری نیز وجود دارد که تغییر شکل نداده، به همان گونه که هستند باقی می مانند برای مثال عدد ۷ به هر صورتی که نوشته شود ماهیتش تغییر نمی کند مانند $7 = 4 + 3$ و یا $7 = 2 + 5$ و یا ۷ مداد و یا ۷ تصویر مختلف.

— شمارش اعداد: اعداد، مفاهیمی هستند که از عملیات طبقه بندی و ترتیب و نظم دادن ناشی شده اند. یک عدد اصلی معرف یک طبقه است برای مثال: عدد چهار به معنی چهار سیب، چهار اتومبیل است و از لحاظ اندازه و وضعیت چهارمین در ارتباط یا در بین سومین و پنجمین می باشد.

توانایی کودکان دبستانی در بکاربردن اعداد به شرح زیر است :

کودک قادر به شمردن اعداد است. کودکی که به مدرسه می رود نه تنها اعداد را می تواند بشمارد بلکه مجموعه ای از اشیاء را به دقت شمرده، جهت شمارش را تا ده شیء ادامه می دهد.

اعداد اصلی و ترتیبی را درک می نماید. کودک می داند وقتی ده شیء را می شمرد آخرین آنها دهمین و دهمین بالاتر از نهمین است.

کودک اعداد گفته شده و نوشته شده را درک کرده، اختلاف بین گفتن و نوشتن اعداد را تشخیص می دهد.

کودک می تواند مجموعه ای از اعداد را با واژه (بیشتر از)، (کمتر از) و (مساوی) مقایسه نماید.

۵/۵- رشد عاطفی در دوره دبستان

هیجانان و عواطف کودکان مانند سایر جنبه های رشدی او شروع به رشد و تغییر می نمایند. تغییرات این دوران با دوره پنج ساله اول متفاوت است. در دوران اول کودک هنوز نمی توانست به جنبه های عاطفی واکنش لازم را نشان دهد ولی در دوره دبستان واکنش در برابر هیجانان و عواطف را فرا می گیرد. کودکان معمولاً شاد و فعال هستند و اکثر واکنشهای عاطفی این دوران از واکنشهای خوش آیند و لذت بخش است. باید در نظر داشت که مانند دوران اول کودکی واکنشهای عاطفی ناخوش آیندی نیز وجود دارد که بروز نموده، کودک در مقابل آنها عکس العمل نشان می دهد.

- انواع واکنشهای هیجانی و عاطفی

(الف) عواطف شاد و لذت بخش: این گونه عواطف لبخند و شادمانی را در چهره کودکان نمایان می سازد، کودکان آرام و قرار ندارند دائماً در حال جنب و جوش هستند، با محیط اطراف سازگاری بهتری دارند.

ابراز محبت: کودکان در این دوران دوست دارند مورد محبت واقع شوند. هر عمل یا عکس العملی که موجبات شادی و خنده را فراهم سازد مورد توجه آنان واقع می گردد و به آن محبت می ورزند و محبت خود را در گفتار و کردار نشان می دهند.

(ب) عواطف ناخوش آیند یا منفی:

ترس: عواملی که کودک تواند واکنش مناسب به آنها نشان دهد و یا حوادث ناگهانی و غیر قابل انتظار موجب ترس کودک می گردد. تماشای برنامه های مهیج و وحشتناک فیلمهای تلویزیونی دلایلی برای ترسیدن، فرار کردن و گریه کردن کودک است. گاهی اوقات ترس مفید واقع می گردد و از احتمال

وقایع ناگوار برای کودکان جلوگیری می‌کند.

خشم: هر عاملی که از ارضای خواسته‌های کودک جلوگیری کند او را به خشم می‌آورد. کودکان در دوره دبستانی با عوامل محرک خشم بیش از عوامل محرک ترس روبرو می‌شوند. در این دوره این گونه عوامل سال به سال افزایش می‌یابد چون احتیاجات و خواسته‌های او افزایش می‌یابد و نتیجتاً واکنشها نیز از قبیل داد و فریاد و گریه بیشتر می‌شود.

حسادت: کودکان در دوره مدرسه این محرک را بخوبی حس می‌کنند. نمونه آن تشویق و نمرات بهتر و بالاتر همکلاسیهای او می‌باشد. در محیط خانواده نیز تولد یک خواهر یا برادر نوزاد می‌تواند این انگیزه را شدیدتر سازد. واکنشهای حسادت امکان دارد به صورت دشمنی با طرف مقابل، گوشه‌گیری و یا بی‌اعتنایی ظاهر گردد.

— عوامل مؤثر در عواطف کودک: کودکان ۷ تا ۱۱ ساله در محیط مدرسه و خانواده اغلب مواجه با عواملی هستند که در هیجانات و عواطف کودکان تأثیر می‌گذارند. مهمترین آنها عبارتند از: **— خستگی:** این حالت در کودکان دبستانی بیش از کودکان ۲ تا ۶ سالگی بروز می‌کند زیرا در محیط مدرسه مشغول فراگیری و پس از آن در بیشتر مواقع در حال جنب و جوش و فعالیت می‌باشند. بنابراین اکثر اوقات بخصوص پس از فراغت از مدرسه خسته به نظر می‌رسند. این حالت را می‌توان با دادن استراحت، تغذیه مناسب و رفع گرسنگی و تشنگی آنها برطرف ساخت.

— بیماریها: اکثر کودکان در اثر فعالیت و جنب و جوش دچار سرماخوردگی شده، همین بیماری در تندرستی آنان تأثیر می‌گذارد و از زمینه بروز سایر بیماریها از قبیل ضعف بینایی، فساد دندانها و اختلالات گوارشی را فراهم می‌آورد.

— سایر عوامل: سایر عوامل مؤثر در هیجانات و عواطف کودکان عبارت از ساعات مختلف شبانه‌روز، هوش کودک، و محیط اجتماعی است. مطالعاتی که درباره هوش به عمل آمده نشان می‌دهد که کنترل عاطفی کودکان کم هوش کمتر از کودکان باهوش می‌باشد.

۵/۶ — رشد اجتماعی در دوره دبستان

دوره ۷ تا ۱۱ سالگی، زمان شروع اجتماعی شدن کودک است. در این دوره، اساس آن بی‌ریزی می‌شود. کودک ۷ ساله با تجربیاتی که در دوره قبل، از خانواده کسب کرده به تقلید از آنها می‌پردازد. همزیستی مسالمت‌آمیز یا عکس آن را در این دوران از خانواده فرا می‌گیرد. پس از آن ورود به دبستان و محیط آن برای کودک ناآشناست، انس گرفتن با وضعیت جدید مشکلاتی را بوجود می‌آورد. بعضی از کودکان از مشاهده و برخورد با آن موقعیت گیج و مات می‌گردند و در اینجاست که

مربیان و آموزگاران باید این وظیفه خطیر یعنی وفق دادن محیط مدرسه با سلیقه کودکان و تا حدودی با رفتار خانواده و همسالان و یا به عبارت دیگر اجتماعی شدن را به کودک آموزش دهند.

— عوامل مؤثر در اجتماعی شدن کودک دبستانی: رشد اجتماعی شدن کودک ابتدا بستگی به سلامت و رشد بدنی او دارد زیرا کودک برای سازگاری با محیط و فراگیری ارزشهای اجتماعی نیاز به سلامت جسم و روان دارد. پس از آن به شرکت کردن در گروههای همسن و سال خود برای ارضای نیازهای دوران کودکی ۷ تا ۱۱ ساله مربوط است که مشخصات آنها به قرار زیر است:

شکل گیری این گروهها ابتدا به منظور سرگرمی و تفریح کودکان خودبخود بوجود می آید. شرکت کنندگان در این گروهها مورد تأیید اولیای دبستان و خانواده ها می باشند و از پذیرش اجتماعی بهره مندند.

تأسیس این گروهها بر پایه انتخاب اعضای گروه نیست و به طور تصادفی تشکیل می گردد. کلیه اعضای گروه همسال هستند و در مجموع همگی دختر یا پسر می باشند.

تعداد اعضا در ابتدا حدود ۳ یا ۴ دختر یا پسر می باشند ولی بتدریج با افزایش سن از ۷ سال به ۱۱ سال به تعداد آنان افزوده می گردد.

— تأثیر گروههای اجتماعی بر کودکان دبستانی: اجتماعی شدن کودکان بدون کمک گروههای اجتماعی به طور کامل میسر نمی گردد. مقدم بر هر گروه دیگری برای جامعه پذیری کودکان، همان رفتار و واکنش والدین و اعضای خانواده است. پس از گروه خانواده مؤثرترین گروه در اجتماعی شدن این کودکان، مربیان و آموزگاران دوران دبستان می باشند که با اعمال و رفتار خود و نحوه تربیت کودکان، سهم بزرگی در اجتماعی شدن آنها دارند.

علاوه بر گروههای اجتماعی خانواده و مربیان آموزشی گروه دیگری وجود دارد که تأثیر ارزنده ای در اجتماعی شدن کودک دارد و آن گروه مسئول آموزش کودکان در این دوران سنی که عبارتست از گردانندگان برنامه های رادیو و تلویزیون می باشد. تأثیر این گروه نیز بی نهایت در اجتماعی شدن کودک اهمیت دارد.

۵/۷ — بازیهای دوران دبستان

بازی کودکان در دوران دبستان با بازیهای کودکی ۲ تا ۶ سالگی تفاوت زیادی دارد. کودک برای لذت بردن از محیط زندگی و پرورش و رشد خود نیاز به بازی دارد. دوران ۷ تا ۱۱ سالگی بخصوص در اواخر این دوره شور و هیجان زاید الوصفی برای بازی کردن در کودک بوجود می آید. بازی سلامت کودک را تضمین می نماید و یادگیری او را تسریع می کند.

انواع بازیهای دوران دبستان به شرح زیر است :

— **بازیهای گروهی:** کودکان پس از ورود به دبستان و آشنایی با همسالان و برطرف شدن ترس آنان از محیط تازه، ابتدا شروع به تشکیل گروههای ۳ تا ۴ نفری نموده، اولین برخورد دو گروه با بازیهای گروهی از قبیل پرتاب توپ، والیبال، فوتبال و بازیهای مشابه که دارای جنب و جوش و فعالیتهای زیادی می باشد، آغاز می گردد. این نوع بازیها را نیز می توان ورزشی نامید.

— **بازیهای انفرادی در محیط خانواده:** کودکان در اوقات فراغت در خانواده علاوه بر بازیهای کودکانه با خواهران و برادران به بازیهای انفرادی دیگری نیز می پردازند که شایع ترین آنها ساختن کارهای دستی با چوب، نقاشی، طراحی و جورکردن شکلهای مختلف (پازلها با تصاویر معمایی) می باشد. در این نوع بازیهای انفرادی علاقه دختران با پسران متفاوت است پسران اغلب به کارهای فنی و دستی و چوب کاری، نجاری می پردازند ولی دختران به گلدوزی، نقاشی، خیاطی و کارهای مشابه علاقه مندند.

— **بازیهای تخیلی:** کودکان در دوران دبستان، زمانی که از کارها و بازیهای دسته جمعی و تکالیف شبانه خسته می شوند و تنها می باشند به بازیهای تخیلی روی می آورند. برای مثال خود را قهرمان یک رشته ورزشی فرض کرده، عملیات و کارهای پلیسی را در ذهن خود مرور می نمایند و یا نقش یک کارآگاه را تجسم می نمایند.

— **مطالعه و جمع آوری وسایل:** یکی دیگر از بازیهای دوران دبستان که به نوبه خود، سرگرمی مفیدی محسوب می شود مطالعه و خواندن کتب مختلف و داستانهای مذهبی تاریخی و قهرمانی است. بعضی از کودکان علاقه مند به جمع آوری تمبر کشورهای مختلف و تصاویر قهرمانان ورزشی می باشند.

ویژگیهای بازی پسران و دختران: علاقه مندی دختران و پسران در انتخاب نوع بازی و گروه بندی، متفاوت است و خصوصیات آن با دوره نخستین کودکی ۲ تا ۶ سالگی تفاوت بسیار دارد. ویژگیهای بازی کودکان ۷ تا ۱۱ ساله را می توان به دو گروه دختران و پسران به طور جداگانه به شرح زیر خلاصه نمود :

بازیهای مخصوص دختران: یکی از ویژگیهای بازی دختران همانند پسران بازی گروهی است ولی تعداد گروههای دختران محدود است و در حدود سه تا چهار نفره می باشد. دختران به بازیهای پسرانه، برعکس پسران، از خود تمایل نشان می دهند. بازیهای دختران اغلب جنبه هنری دارد.

دختران اوقات فراغت خود را بیش از پسران به مطالعه می پردازند.

یکی از جنبه‌های هنری دختران در بازیها عبارتست از گلدوزی، بافندگی و نقاشی. بازیهای مخصوص پسران: بازیهای پسران در این دوره معمولاً بازیهای دسته‌جمعی و گروهی است. پسران بیشتر به بازیهای میدانی مانند فوتبال، بسکتبال، والیبال و دویدن تمایل دارند. در بازیهای پسران رقابت شدید وجود دارد. بازیهای پسران نیاز به قدرت زیاد، سرعت و مقاومت جسمانی دارد. پسران علاقه‌ای به بازیهای مخصوص دختران از خود نشان نمی‌دهند.

پرسشهای فصل پنجم

- ۱- یکی از وظایف مهم دوران دبستان ۷ تا ۱۱ سالگی یادگیری مهارتهای مختلف است. دو نوع از این مهارتها را نام ببرید.
- ۲- برای کسب موفقیت در یادگیری مهارتها عوامل گوناگونی مؤثرند، سه عامل مهم را نام ببرید.
- ۳- منظور از یادگیری مهارتهای اجتماعی را با آوردن یک مثال بنویسید.
- ۴- در دوران دبستان چه تفاوتی بین رشد جسمانی دختر و پسر وجود دارد؟ به‌طور مختصر بنویسید.
- ۵- عوامل مؤثر در رشد جسمانی کدام‌اند؟
- ۶- توانایی کودکان دبستانی را در بکاربردن اعداد برشمارید.
- ۷- عواطف شاد چه نوع عواطفی می‌باشند؟
- ۸- مشخصات گروههای همسال را در این دوران بنویسید.
- ۹- بازیهای تخیلی را بنویسید.